



## دیدگاه

|                   |                                                                        |
|-------------------|------------------------------------------------------------------------|
| شماره: ۷۸۰        | موضوع: احتیاط در صفرزدایی از پول ملی به دلیل پدیده انفعال پولی در کشور |
| تاریخ: ۱۳۹۵/۱۰/۲۰ |                                                                        |

### توضیح اجمالی:

هدف اصلی از سیاست صفرزدایی آن بوده که سیاست گذار پیام پایان یافتن دوران بی ثباتی و شروع دوره پایداری و ثبات را به جامعه القاء کند. صفرزدایی از پول ملی صرفاً نشان از برطرف شدن شرایط بی ثبات و رو آوردن به ثبات از طریق اصلاحات پولی حقیقی و نهادی داشته و ماهیت علامت دهنده و مکمل دارد. در حال حاضر انفعال پولی، مدیریت پول و تورم را با مشکل مواجه و استفاده از «لنگرگاه های اسمی پول و تورم» را دشوار کرده است. انفعال پولی در کنار انعطاف سرعت گردش آن در کشور، باعث خنثی شدن هدف گذاری های حجم پول و تورم توسط مقامات پولی شده، فرضیه خنثی بودن پول در اقتصاد کشور را نقض و تبدیل پول با ارقام اسمی بزرگ به ارقام اسمی کوچکتر را هزینه زا می کند. اگر در نظام پولی ایران پول منفعلی وجود نداشت و پول و نقدینگی در اقتصاد فعال و قابل مدیریت و کنترل بود، آنگاه قدرت قیمت گذاری دلخواه نیز وجود نداشت و عوامل اقتصادی نمی توانستند جز قیمت هایی که توسط ساز و کار بازار تعیین می شوند، قیمتی وضع کنند و تغییرات اسمی و حقیقی هیچ کدام به تغییر نامتناسب قیمت ها و توزیع مجدد درآمد و تخصیص مجدد منابع منتهی نمی شد. اما در ایران وضعیت این گونه نیست و به دلایلی که در ادامه می آید نظریه مقداری پول کارکرد خود را از دست داده است: ۱- قدرت بالای قیمت گذاری عوامل اقتصادی: دلیل آن نیز فقدان بازارهای رقابتی عمیق و کارآمد و در نتیجه فقدان سازوکار خودکار قیمت هایی است که علامت دهی کارایی انجام می دهند. ۲- بی ثباتی سرعت درآمدی گردش پول: بی ثباتی در سرعت گردش پول به معنای تغییر حرارت پول در جریان و گرم و سرد شدن آن، خارج از اختیار مقامات پولی است. زمانی که حجم پول در جریان به آهستگی تغییر می کند اما قیمت ها به طور شتابان افزایش می یابند (سال ۱۳۷۴) و بالعکس ممکن است زمانی حجم پول در جریان به شدت تغییر یابد اما قیمت ها واکنش کندی نشان دهند (سال ۱۳۸۵). ۳- حجم بالای فعالیت های نامولد: بی ثباتی و نوسان در سرعت گردش پول می تواند ناشی از نوسان سهم معاملات نامرتب با تولید ناخالص داخلی و یا دنباله روی بانک مرکزی از اقدامات بانک ها باشد. هر چه زمینه افزایش نسبی فعالیت ها و مبادلات نامرتب با تولید ناخالص داخلی گسترده تر و نسبت معاملات غیرمرتب با تولید ناخالص داخلی با معاملات مرتبط با تولید ناخالص داخلی افزایش یابد، این بی ثباتی افزایش می یابد. دنباله روی بانک مرکزی از اقدامات بانک ها نیز می تواند به این انفعال دامن بزند. مشاهده تفاوت های موجود میان ارقام مصوب و عملکرد رشد نقدینگی در برنامه های مختلف توسعه جمهوری اسلامی ایران به خوبی موید این است که پول به طور قابل ملاحظه ای منفعل بوده است. لازمه ثبات سرعت گردش پول، محدود کردن فعالیت های نامولد و نامرتب با تولید ناخالص داخلی و همچنین تقویت استقلال بانک مرکزی و انضباط این نهاد مهم سیاست گذاری پولی است.

### نکات کلیدی:

مهم ترین نتیجه عدم کارکرد نظریه مقداری پول آن است که «اصل تناسب» در تغییرات پولی و تورم در چنین اقتصادی موضوعیت ندارد. یعنی تغییرات پولی و سطح عمومی قیمت به طور متناسب یکدیگر را تحت تاثیر قرار نمی دهند و بنابراین اثر توزیعی و تخصیصی دارند. نکته اصلی در تغییر واحد پول ملی نیز همین نکته است. هنگامی که صفری از پول ملی حذف شود، بسیاری از قیمت ها مضربی از این تعداد صفر نیستند و به هنگام بروز مشکل گرد کردن اعداد، از آنجا که عوامل اقتصادی هم قدرت قیمت گذاری دارند، بدون شک اعداد را به سمت بالا گرد می کنند. قدرت قیمت گذاری تنها در مساله گرد کردن بروز نمی کند، بلکه وقتی اعداد قیمتی کوچکتر می شوند و قدرت قیمت گذاری هم بالا است، افراد قیمت های خود را بسیار کمتر از حد تناسب تغییر واحد پول ملی کاهش داده و این خود به معنای افزایش سطح عمومی قیمت ها است. همچنین، به دنبال کوچک تر شدن ارقام، «قبح روانی» افزایش بعضی قیمت ها کاسته می شود. مثلاً اگر ملکی هر متر مربع ۳ میلیون تومان است، پس از حذف صفر، طبق اصل تناسب باید هر متر مربعی ۳۰۰ هزار تومان قیمت گذاری شود اما چه بسا متری ۴۰۰ هزار تومان قیمت گذاری شود و این گونه توجیه شود که قیمت ۳ میلیونی، ۴۰۰ هزار تومان شده است. قدرت قیمت گذاری در اقتصاد ایران آن قدر بالا است که عوامل قیمت گذار در مواجهه با هر گونه تغییر در محیط اقتصادی (حتی تغییرات محدود و نامرتب) قیمت های خود را تغییر می دهند. بنابراین پس از حذف صفر، عدم کاهش متناسب قیمت بسیاری از کالاها و خدمات مصرفی و حتی مسکن و زمین به وقوع خواهد پیوست و زمینه تورم بیشتر فراهم می شود. سیاست صفرزدایی باید حلقه آخر زنجیره ای از سیاست ها باشد که طی آن، شرایط برای بهبود فضای رقابتی و تعمیق بازارها فراهم شده، قدرت قیمت گذاری عوامل اقتصادی کاهش یافته، شفافیت در بودجه دولت بهبود پیدا کرده، فعالیت های نامولد اقتصاد محدود گشته و زمینه های انضباط پولی اعم از کاهش معوقات و استقلال بیشتر بانک مرکزی فراهم شود. از آنجا که همگی این پیش نیازها در اولویت برنامه ششم قرار گرفته اند، پیشنهاد می شود صفرزدایی به پایان برنامه ششم موکول شود، یعنی زمانی که اجرای آن پیام آور آغاز دوره جدیدی از رشد بالا و تورم پایین در اقتصاد باشد.